

بررسی میزان مشارکت عشایر بخش دیشموک، در طرح‌های توسعه روستایی

حجت ورمزیاری، دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران*

سید محمود حسینی، دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران

چکیده

امروزه با توجه به شرایط خاص کشورهای در حال توسعه و نرخ فزاینده شهرنشینی و مشکلات ناشی از آن، توسعه روستایی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. توسعه روستایی، راهبردی است که در نهایت به افزایش اعتماد به نفس، خلاقیت و در یک مفهوم، توانمندسازی روستائیان، به خصوص قشر محروم و فقیر منجر می‌شود. تحقیق حاضر به بررسی میزان مشارکت‌پذیری عشایر نیمه کوچ‌نشین بخش دیشموک، از توابع شهرستان دهدشت، استان کهگیلویه و بویراحمد، در پروژه‌های توسعه‌ای و چالش‌های موجود پرداخته است. پژوهش از نوع کیفی بوده و با استفاده از روش نظریه بنیانی و تکنیک ارزیابی سریع روستایی انجام شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مشاهده و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته است. پایایی تحقیق با استفاده از طریق یادداشت‌برداری نکات مهم مصاحبه و برقراری تعامل مطلوب با مصاحبه شونده و روایی آن از طریق استراتژی «بازخور مشارکت‌کننده» تأمین گردید. همچنین از استراتژی مثلث‌سازی به منظور افزایش روایی و پایایی استفاده شد. اعضای نمونه به روش نمونه‌گیری هدفمند تصادفی انتخاب شد. در مجموع، نه روستا از سه دهستان مطالعه گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش، برخلاف تصور قبلی محقق، روستائیان از رغبت و انگیزه بالایی برای مشارکت برخوردار بودند؛ اگرچه از نظر مالی به شدت در تنگنا قرار داشتند. خرید و اعطای زمین به دولت برای ساخت مدرسه و انجام کارهای ساختمانی آن به طور رایگان، مشارکت در احداث جاده و غیره، از جمله مهمترین نمودهای مشارکت روستایی در روستاهای مورد مطالعه به شمار می‌رفت. با وجود مشارکت‌پذیری بالای مردم، بستر مساعد برای همیاری داوطلبانه و پایدار آنان در کشاورزی و سایر پروژه‌های فقرزدایی فراهم نگردیده بود. علت عمده این مسأله نبود تشکل‌های محلی توانمندساز، از قبیل^۱ CBOs و^۲ NGOs و نیز مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی بود. پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد محیط توانمندساز، نهادهای محلی، به خصوص مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی در منطقه تأسیس و تقویت شوند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، CBOs، نظریه بنیانی، توسعه روستایی

مقدمه

روستاها به عنوان جایگاه اصلی تولید محصولات کشاورزی، دارای نقش حیاتی در اقتصاد ملی هستند. با وجود این، به دلیل نبود ایجاد فضای مناسب زندگی و اشتغال در روستاها و نیز به علت فقدان نگرش سیستماتیک به کارکرد این سکونتگاه‌ها، روند مهاجرت به شهرها و در نتیجه میزان شهرنشینی به شدت افزایش یافته است. بر اساس آینده‌نگری سازمان ملل (Department of Economic and Social Affairs, 2004; 53)، میزان جمعیت شهری ایران در سال ۲۰۳۰ به ۷۸ درصد خواهد رسید که تفاوت قابل ملاحظه ایران با سایر کشورهای در حال توسعه و هم‌ردیفی با کشورهای صنعتی در زمینه گذار جمعیتی را بیان می‌کند. زیرساخت‌های بسیار ناچیز اقتصاد شهری ایران در زمینه اشتغال‌زایی، به ویژه در مقایسه با کشورهای صنعتی، بحران‌های ناشی از این افزایش افسار گسیخته شهرنشینی در ایران را قابل درک می‌نماید. بنابراین، به منظور پیشگیری از عوارض سوء رشد شهرنشینی، باید در پی تحقق توسعه پایدار روستایی بود. امروزه توسعه روستایی، به خصوص در جوامع جهان در حال توسعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. تودارو^۱ (۱۹۹۴: ۳۰۸) معتقد است اگر قرار است «توسعه» انجام شود و خود پایدار باشد، باید به طور اعم، از سکونتگاه‌های روستایی و به طور اخص از بخش کشاورزی آغاز گردد. وی تصریح می‌نماید که مشکلاتی از قبیل فقر فراگیر، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت و افزایش بیکاری، همگی در روند قهقرایی زندگی اقتصادی مناطق روستایی ریشه دارد.

رابرت چمبرز^۲ توسعه روستایی را به عنوان راهبردی در راستای توانمندسازی گروه خاصی از مردم، شامل زنان و مردان فقیر معرفی می‌نماید (جمعه‌پور، ۱۳۸۵: ۵۷). از نظر چمبرز (۱۹۹۳: ۳۵) توانمندسازی به معنای افزایش توان مردم به خصوص فقرا، در زمینه کنترل بر زندگی خود و نیز بهبود امرار معاش، از طریق افزایش دسترسی آنان نسبت به دارایی‌های مولد، به منزله عناصر اساسی است. بانک جهانی نیز تصریح می‌کند که توسعه روستایی، راهبردی است که در راستای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر طراحی گردیده است. بنابراین، درک مسایل مردم و یافتن راه‌حل‌های خروج قشر آسیب‌پذیر، از چرخه باطل فقر و مسدود نمودن مسیرهایی که به فقر و فلاکت آنها منتهی می‌شود، اصلی‌ترین چالش امروز است. از شیوه‌های ارتقای وضعیت فقرا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد (بانک جهانی، ۲۰۰۳: ۲۲۲-۲۱۹):

- ۱- انتقال نظرها و محرومیت اجتماعی این گروه‌ها و توجه به حقایق این جوامع در تصمیم‌سازی‌ها؛
- ۲- تقویت دارایی‌های نواحی فقیر، از قبیل کسب دانش، تقویت موقعیت زنان و؛
- ۳- ایجاد محیطی مناسب برای افراد کارآفرین؛
- ۴- جلب مشارکت سازمان‌های غیردولتی، عمومی و خصوصی، به منظور افزایش شفافیت، پاسخگویی، انتقال دانش و....

تاکنون برنامه‌های زیادی در راستای حذف چهره فقر در نواحی روستایی کشور صورت پذیرفته است، ولی در مجموع، این برنامه‌ها در توانمندسازی روستاییان و تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به محیط فعالیت، زندگی و رفاه،

² - Robert Chambers

³ - Vicious Circle

¹ - Todaro

حاشیه‌ای زندگی نموده، به هیچ‌گونه فناوری دسترسی ندارند و به طور کلی، از خدمات محروم هستند. بهبود معیشت جمعیت ساکن در زمین‌های نامرغوب که از سال ۱۹۵۰ تاکنون [۲۰۰۳]، تعداد آن دو برابر شده است، به منظور دستیابی به اهداف توسعه‌ای هزاره در دهه‌های آتی، امر ضروری به نظر می‌رسد (بانک جهانی، ۲۰۰۳: ۲۱۹-۲۲۲). عشایر ایران نیز از وضعیت معیشتی مطلوبی برخوردار نبوده، از فقر و نبود دسترسی کافی به امکانات و خدمات عمومی رنج می‌برند. این روند سبب بهره‌برداری مفرط از منابع طبیعی و ایجاد چالش‌های بسیار عمده برای توسعه پایدار گردیده است.

مشارکت و بهبود زندگی عشایر

بنابراین، از آنجایی که عشایر، فارغ از گروه و نظام خود، واجد نقش مهمی در توسعه پایدار روستایی هستند، برنامه‌ریزی به منظور محرومیت‌زدایی و کاهش فقر در مناطق عشایرنشین بسیار ضروری است. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در بهبود معیشت و زندگی روستاییان و از جمله عشایر، مشارکت است، به طوری که تصور توسعه پایدار بدون تحقق مشارکت، غیر ممکن است. از نظر یونسکو (۱۹۹۴: ۱۵) توسعه، فرآیندی همه جانبه بوده، فراخوان مشارکت همه افراد و گروه‌هایی است که هم بنیان‌گذار آن هستند و هم بهره‌برداران از منافع آن. مشارکت فرآیندی است که در آن، ذی‌نفعان^۱ در تعیین تقدم و اولویت نیازها، سیاست‌گذاری‌ها، تخصیص منابع و یا اجرای برنامه سهیم شده، مداخله می‌نمایند (World Bank, 1996: xi). کوهن و آپهوف^۲ (۱۹۷۷) معتقدند که در توسعه روستایی، مشارکت به مفهوم ایفای نقش توسط مردم در فرآیندهای

توفیق چندانی نداشته‌اند. شناخت و درک غیرواقع‌بینانه محیط‌های روستایی، از علل اصلی شکست برنامه‌های فقرزدایی و توسعه روستایی محسوب می‌شود. در بین سازه‌ها، متغیرها و عوامل فراوانی که به منظور ایجاد توسعه متوازن و حقیقی باید شناسایی شوند، انسان اساسی‌ترین و پیچیده‌ترین عامل تأثیرگذار بر فرآیند توسعه است. از آنجایی که توسعه «از مردم»، «با مردم» و «برای مردم» است، بنابراین، شناخت حقیقی گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و علایق اقشار روستایی و درک جایگاه آنان در برنامه‌ریزی توسعه روستایی بسیار ضروری است. امروزه عشایر، با توجه به افزایش میزان یکجانشینی و نقشی که در تولیدات دامی دارند، به یکی از مهمترین گروه‌های روستایی تبدیل شده‌اند و بنابراین، جلب مشارکت فعالانه آنان در برنامه‌های توسعه روستایی بسیار حایز اهمیت است.

جایگاه عشایر در توسعه روستایی

به طور کلی، طبق آمار فائو، نظام‌های شبنانی جهان به تنهایی، از یک چهارم اراضی استفاده نموده و ۱۰ درصد از تولید گوشت جهان را تأمین می‌کنند (Blench, 2001: 11). البته عشایر ایران از نقش مهم‌تری برخوردارند. چرا که طبق آمار رسمی، ایشان سالانه ۱۸۰ هزار تن گوشت قرمز تولید می‌نمایند که ۲۰ درصد میزان کل تولید گوشت قرمز کشور است (صدیق، ۱۳۸۷). این در حالی است که گروه مذکور، تنها در حدود ۲ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند (قرخلو، ۱۳۸۲: ۴۲). با وجود جایگاه حیاتی فوق، عشایر از سطح زندگی نامطلوبی برخوردارند. امروزه، درصد زیادی از کوچ‌نشینان در اراضی نامرغوب، شیب‌دار و دیم‌زارها ساکن هستند. طبق برآوردهای بانک جهانی، در حدود ۲ میلیارد نفر جمعیت روستایی در زمین‌های

1- Stakeholders

2 - Cohen & uphoff

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، بررسی میزان مشارکت عشایر روستاهای مورد مطالعه بخش دیشموک در پروژه‌های توسعه روستایی و تبیین موانع و راهکارهای مناسب برای افزایش مشارکت فعال و پایدار آنان است. به منظور دستیابی به هدف مذکور، اهداف عملیاتی ذیل بررسی گردید:

۱- ترسیم سیمای روستاهای مورد مطالعه و وضعیت معیشتی عشایر؛

۲- بررسی میزان مشارکت خودجوش روستاییان در راستای ارتقای وضعیت موجود؛

۳- مطالعه میزان تمایل افراد نسبت به مشارکت در توسعه؛

۴- بررسی چالش‌ها و مشکلات موجود در زمینه تحقق مشارکت خودجوش و پایدار.

روش‌شناسی

این تحقیق از نظر میزان کنترل داده‌ها، میدانی؛ از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت کیفی و ژرفانگر است. هویفل معتقد است بر خلاف تحقیق کمی که در آن محقق به دنبال تعیین علی، پیش‌بینی و تعمیم یافته‌ها است، در پژوهش کیفی، هدف پژوهشگر روشن‌سازی، فهم و برون‌یابی به موقعیت‌های مشابه است (Hoepfl, 1997) به نقل از: Golafshani, 2003: 604). پژوهش حاضر، با استفاده از روش نظریه بنیانی^۲ انجام شد. نظریه بنیانی یکی از رایج‌ترین روش‌های تحقیق کیفی بوده (Creswell, 1998) به نقل از Thomson, 2004: 1) و فرآیندی است که طی آن، محقق به نظریه‌ای دست می‌یابد که ریشه در داده‌های جمع‌آوری شده دارد (Strauss & Glaser, 1967).

تصمیم‌گیری، اجرای برنامه‌ها، شریک‌شدن در منافع حاصل از برنامه‌های توسعه و همکاری در ارزیابی برنامه‌های مذکور است (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳: ۴). بالان بیان کرده است که رهیافت مشارکتی، از طریق تقویت اجتماعات مردمی برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری، بسترهای توسعه را فراهم می‌نماید. همچنین از نظر شرکت مهندسان مشاور ویسنا، نقش دولت در این میان، توانمندسازی اجتماعات محلی از طریق اعطای تسهیلات مالی، اعتباری و قانونی، آموزش مستمر و فراهم‌سازی فرصت‌های مشارکت برای سازمان‌های محلی خواهد بود (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۶-۲۱۴).

بی شک، در نظام تولیدی کشورهای در حال توسعه - که کشاورزی نوع سوم و یا کشاورزی «پیچیده»، «متنوع» و «مستعد خطر»^۱ است - مشارکت روستاییان و به خصوص عشایر، واجد نقش بیشتری در توسعه پایدار است و بنابراین، مدیریت همه‌جانبه و برنامه‌ریزی مؤثر در چنین نظامی، به شناخت روابط پیچیده و درهم تنیده زندگی اجتماعی - اقتصادی عشایر نیاز دارد.

ضرورت تحقیق

نظر به اهمیت و نقش اساسی مشارکت در موفقیت برنامه‌های توسعه، به ویژه در نظام‌های کشاورزی نوع سوم و نیز با عنایت به اهمیت حیاتی عشایر در اقتصاد تولیدی کشور و همچنین تنگناهای عمده فعالیت آنان، مطالعه پیرامون بررسی میزان مشارکت عشایر در طراحی و اجرای پروژه‌ها و تحلیل فرآیندهای مؤثر و تبیین خط و مشی‌های افزایش مشارکت حقیقی و همه‌جانبه آنان، در راستای هدف کلی بهبود معیشت عشایر امر ضروری به نظر می‌رسد.

² - Grounded theory

¹ - Complex, diverse and risk prone (CDR) agriculture

است از طریق ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ مصاحبه و یا حتی مصاحبه‌های بیشتر انجام شود (Thomson, 2004:2). در این پژوهش، به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از تکنیک ارزیابی سریع روستایی (RRA) ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مشاهده غیر مشارکتی و یادداشت اطلاعات استفاده شد. از آنجایی که افراد در محیط‌های گروهی فرصت کافی و مناسب برای ابزار حقایق و ایده‌های خود نمی‌یافتند، به منظور درک عمیق واقعیت‌ها^۲ مصاحبه‌ها غالباً به صورت انفرادی و ژرف‌نگرانه انجام شد و مدت زمان هر کدام به طور متوسط، ۷۰ دقیقه بود. پایایی تحقیق، از طریق یادداشت‌برداری نکات مهم مصاحبه، برقراری تعامل مطلوب با مصاحبه شونده و سه‌وجهی‌سازی تأمین گردید (Bo Hansen, 2006: 23).

در تحقیق حاضر، به منظور سه‌وجهی‌سازی، از استراتژی «تکثرگرایی داده»^۳ استفاده شد. این راهبرد، بر جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف تأکید دارد. بنابراین، در این مطالعه «مسئولان محلی» از قبیل اعضای شورای اسلامی روستا و دهیاری و «کارشناسان دولتی» در کنار عشایر مورد مطالعه قرار گرفتند. از سوی دیگر، به منظور تأمین روایی تحقیق علاوه بر تکثرگرایی داده، از استراتژی «بازخور مشارکت‌کننده»^۴ نیز استفاده شد (Johnson, 1997:283).

به عبارت دیگر، تفسیر محقق از اظهارات مصاحبه شونده‌گان، به آنها ارایه می‌گردید و با توجه به بازخورهای

Corbin, 1998 به نقل از همان منبع). در پژوهش حاضر، مسأله تحقیق که کسب اطلاعات بیشتر در حوزه مربوط به آن احساس می‌شد، بر اساس اظهار نظر کارشناسان بومی و غیر بومی منطقه تعیین گردید. بر این اساس، پایین بودن مشارکت خود جوش روستاییان، به عنوان مشکل عمده در مسیر توسعه روستایی پایدار، شناسایی شد. به این ترتیب، سؤال‌های تحقیق و ساختارهای اولیه مشخص گردید.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- دیدگاه و سابقه روستاییان درباره مشارکت در پروژه‌های روستایی چگونه است؟
- ۲- چه موانعی سبب شکل نگرفتن مشارکت داوطلبانه و پایدار روستاییان، به منظور برون‌رفت از محرومیت موجود می‌شود؟

بر مبنای سؤال‌های فوق، موارد مفید برای نمونه‌گیری نظری مشخص شد. به این ترتیب، نمونه به طور هدفمند تصادفی^۱، از بین سرپرستان خانوار ۲۵ سال به بالا انتخاب شد. روش نمونه‌گیری هدفمند تصادفی در تحقیق‌های کیفی که در آنها، به دلیل بزرگی حجم نمونه هدفمند، انتخاب تصادفی از نمونه مبتنی بر هدف انجام می‌گیرد، به کار می‌رود (Gonzalez, 2001:3). نمونه تحقیق شامل افرادی از هر سه دهستان بخش دیشموک بود. در مجموع، به منظور دستیابی به اشباع نظری و با توجه به کم‌جمعیت بودن روستاها و مشابهت نسبی شرایط، ۲۷ نفر از ۹ روستا مورد مطالعه قرار گرفتند. اشباع نظری زمانی تحقق می‌یابد که داده‌های جدیدی از طریق مطالعه موارد بیشتر، حاصل نشود. این فرآیند ممکن

² - In-depth understanding

³ - Data triangulation

⁴ - Participant feedback

¹ - Random Purposive Sampling

همچنین تولید محصولات زراعی و باغی، بیشتر حالت خود مصرفی داشت، ولی مالکیت حقیقی و حقوقی دام که یکی از خصوصیات رمه‌داری محسوب می‌شود، در روستاهای مورد مطالعه مشاهده نگردید. همچنین از آنجایی که کوچ دام‌ها بین ییلاق و قشلاق صورت می‌گرفت و نیز با توجه به مصداق داشتن برخی دیگر از ویژگی‌های نظام کشاورزی-شبانی، می‌توان گفت که دامداری ییلاق - قشلاق، شکل غالب کوچ‌نشینی در روستاهای مذکور بود. به طور کلی، مردم این بخش غالباً اسکان یافته و یا رو به اسکان بودند.

عشایر منطقه به صورت طایفه‌ای^۱ و از دو ایل بهمی و طیبی بودند. ایل بهمی جمعیت بسیار بیشتری نسبت به ایل طیبی داشت. روستاییان مورد مطالعه از ایل بهمی و طوایف عالی محمد، نوروزی، محمد میسا، نریمیسا، کمایی و طایفه سادات بودند. طبق اظهارات آنان، قبلاً به دلیل فرهنگ پایین، و وجود بی‌نظمی، کشتارهای بین طایفه‌ای و درون طایفه‌ای زیاد بوده است، ولی پس از انقلاب اسلامی، به دلیل افزایش سطح سواد و فرهنگ افراد، دعوای خونین کاهش چشمگیری داشته است.

نرخ باروری بالا و کاهش نرخ مرگ و میر سبب ایجاد خانواده‌های پرجمعیت در بخش دیشموک شده و تراکم در واحد سطح خانه‌ها را به طور نسبی افزایش داده است. عشایر نیمه کوچ‌نشین از نظر اقتصادی در وضعیت بسیار بدی قرار داشتند. مصالح منازل غالباً از چوب و سنگ بود(تصویر ۱). اکثر افراد تحت پوشش کمیته امداد

دریافتی، اصلاحات ضروری در برداشت‌ها انجام می‌شد. همچنین با تمهیداتی که در نظر گرفته شد، از سوگیری‌های محتمل، به خصوص سوگیری مکانی اجتناب گردید؛ به طوری که از دور افتاده‌ترین روستاهای منطقه نیز در نمونه قرار گرفت. این پژوهش در مرداد ۱۳۸۶ و در بخش دیشموک شهرستان دهدشت، استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شد. همچنین به منظور ارزیابی تصویر مستندتر از وضعیت بخش دیشموک و تحلیل بیشتر موضوع، اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از آخرین داده‌های مرکز آمار ایران جمع‌آوری و توسط نرم‌افزار Excel تحلیل شد.

نتایج

۱- ترسیم سیمای روستاهای مورد مطالعه و وضعیت

روستاییان

الف- وضعیت معیشتی

بخش دیشموک از توابع شهرستان دهدشت، استان کهگیلویه و بویراحمد است. طبق آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، این بخش دارای ۲۰۷۱۶ نفر جمعیت و ۳۶۸۹ خانوار بوده، نسبت جنسی جمعیت در سال مذکور، ۱۰۳/۷۴ است. بر اساس طبقه‌بندی بلنچ از نظام‌های شبانی (Blench, 2001: 4, 11-13) برخی از ویژگی‌های اقتصاد شبانی این بخش مشابه نظام رمه‌داری است. چرا که غالب کوچ‌های این منطقه، دارای برنامه مشخصی بوده، عمل جمع‌آوری علوفه و خشکاندن آن برای تغذیه زمستانه دام‌ها، از برنامه‌های مهم عشایر بود.

¹ - Tribal

خانه‌ها، ورودی و خروجی دام و انسان مشترک بوده، بین محل زندگی دام و افراد، به خصوص در زمستان فقط دیوار نصفه و نیمه‌ای حایل بود و این موضوع وضعیت بهداشتی آنها را با تهدید جدی مواجه ساخته و آستن بروز بیماری‌های مشترک دام و انسان بود.

امام خمینی (ره) بودند. شدت فقر تا حدی بود که افراد بعضاً سالی فقط یکی دوبار می‌توانستند نیاز خود به گوشت را تأمین نمایند. به طور کلی، سبد غذایی خانوارها بیشتر، شامل مواد غذایی اساسی و اولیه می‌شد و میوه‌جات نقش کم‌رنگی در رژیم غذایی افراد داشت. آغل دام‌ها وضعیت غیربهداشتی داشت. در تعدادی از



شکل ۱ بافت مسکن روستایی بخش دیشموک

ارتباطاتی و اطلاعاتی در آنها، به قطع کامل هرگونه ارتباط با دنیای خارج منجر می‌گردید. کانال‌های تلویزیونی هنوز در تعدادی از روستاها به کلی دریافت نمی‌شد و یا تنها یک کانال دریافت می‌گردید. فقدان امکان تفریح مناسب، نداشتن دسترسی مناسب به رسانه ملی از یک سو و تهاجم فرهنگی موجود در منطقه از سوی دیگر، سبب کندی توسعه فرهنگی در روستاهای مذکور شده بود.

ب- اقتصاد خانوارهای عشایری

اقتصاد خانوارها غالباً به دامداری و کشاورزی وابسته بود. تقریباً تمامی دام‌ها از نوع بز و گوسفند بوده، گندم و جو دیم نوع کشت غالب آنها را تشکیل می‌داد. جو به مصرف دام‌ها می‌رسید و غالب گندم تولیدی، حالت خود مصرفی داشت. در اندک نقاطی که چشمه آب یا رودخانه

برخی از روستاها، فاقد برق بودند. این کمبود در مورد آب آشامیدنی بسیار حادتر بوده، به گونه‌ای که مرکز بخش نیز آب شرب دائمی نداشت. تعدادی از خانواده‌ها به طور کلی محروم از حمام و آبگرم‌کن بوده، در فضای باز و از طریق گرم کردن آب در دیگ حمام می‌نمودند. همچنین تنها شیوه گرم کردن خانه در زمستان، سوزاندن هیزم در وسط خانه بود که سبب ایجاد دود در درون خانه و سیاه شدن دیوارهای چوبی آن شده، احتمال آتش‌سوزی وسیع در خانه - با توجه با چوب فراوانی که در ساختمان آن به کار رفته است - وجود داشت. بعضی از روستاها، جاده مناسبی برای دسترسی به شهر دیشموک را نداشته، در زمستان ارتباطشان با روستاهای دیگر نیز تا چند ماه قطع می‌شد. از سوی دیگر، فقدان تجهیزات

تخصص و سرمایه لازم می‌دانستند و بر کمک دولت به صورت اعطای تسهیلات بانکی و ارایه مشاوره‌های لازم تأکید داشتند. اراضی کشاورزی از نوع پایکوهی و به صورت تپه ماهوری و بعضاً با شیب‌های تندتر مشاهده گردید. نوع اراضی بخش دیشموک، به تفکیک دهستان در جدول (۱) و نمودار (۲) مشاهده می‌شود.

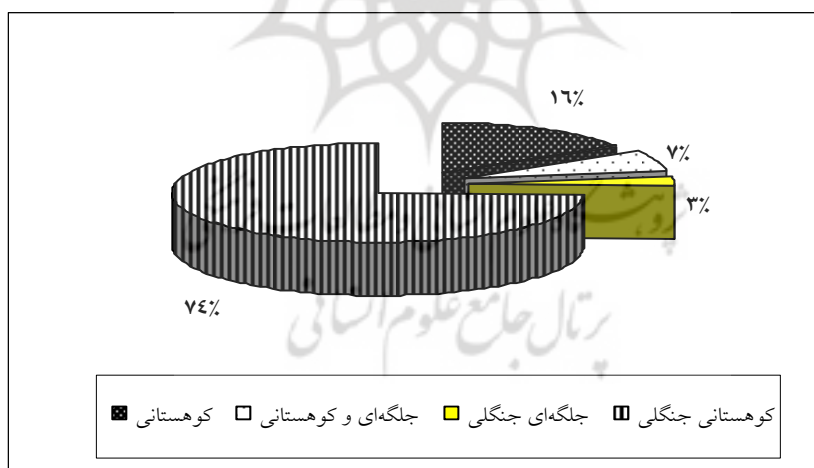
وجود داشت، افراد اراضی خود را به زیرکشت برنج برده بودند. درصد بسیار کمی از اراضی نیز شامل باغ‌های انگور و سیب و ... می‌شد. با وجود بارش نسبتاً مطلوب و وجود ذخایر آب‌های زیرزمینی، چاه آبی چندانی در منطقه مورد مطالعه به منظور بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی حفر نگردیده بود. مردم علت این امر را فقدان

جدول شماره ۱ تعداد آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی اراضی کشاورزی بخش دیشموک ۱۳۸۲

وضع طبیعی اراضی						تعداد خانوار ^(۱) بهره‌بردار کشاورزی آبادی‌ها	تعداد کل آبادی	تقسیمات جغرافیایی
سایر	کوهستانی جنگلی	جلگه‌ای جنگلی	جلگه‌ای و کوهستانی	کوهستانی	جلگه‌ای			
۰	۱۰۲	۴	۹	۲۲	۰	۲۸۰۸	۱۳۷	بخش دیشموک
۰	۳۲	۲	۲	۱۶	۰	۵۴۱	۵۲	دهستان آجم
۰	۴۵	۰	۴	۵	۰	۱۲۴۱	۵۴	دهستان بهمنی سرحدی شرقی
۰	۲۵	۲	۳	۱	۰	۱۰۲۶	۳۱	دهستان بهمنی سرحدی غربی

(۱) منظور خانوارهای بهره‌بردار ساکن در آبادی است که بهره‌برداری آن‌ها در محدوده‌ی اراضی همان آبادی واقع است.

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲



شکل شماره ۲ نوع اراضی کشاورزی بخش دیشموک

مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲

کشاورزی را به صورت دستی در گوشه‌هایی از زمین جمع‌آوری می‌کردند تا زمین برای شخم زمین آماده گردد. در معدود مناطقی که زمین تقریباً مسطح است، از تراکتور به منظور تهیه زمین استفاده می‌شد.

عملیات کشاورزی، به صورت سنتی و نیمه سنتی انجام می‌شد. کشاورزان در مرحله تهیه زمین و به منظور شخم زمین از الاغ و خیش چوبی استفاده می‌نمودند. البته، قبل از تهیه زمین، سنگ‌های موجود در زمین

مالی محدود به افراد بی‌سرپرست تا زمانی که تحت پوشش کمیته امداد قرار گیرد، اشاره نمود.

از نمونه‌های دیگر همکاری عشایر، می‌توان به چندین مورد خرید دسته جمعی زمین مدرسه از مالک زمین و اهدای آن به دولت برای ساخت مدرسه، مشارکت در مدرسه‌سازی به صورت رایگان، لایروبی دسته‌جمعی کانال انتقال آب، مشارکت مالی در احداث جاده، همکاری با کارفرمایان طرح‌های اجرایی، از قبیل تأمین محل اسکان آنها در داخل روستا در طول مدت انجام پروژه و پذیرایی، اشاره نمود. کانال اطلاع‌رسانی برای خریداری زمین به منظور احداث مدرسه، شورای اسلامی روستا بوده است. لایروبی مشارکتی کانال انتقال آب نیز به این صورت است که مالکان زمین از طریق ارتباط‌های خویشاوندی و تنگاتنگی که با هم دارند، زمان لایروبی را به همدیگر اطلاع داده، در روز معین، اقدام به لایروبی می‌کنند.

۴- موانع تحقق مشارکت خودجوش و مداوم عشایر

با اینکه آمادگی ذهنی و ذاتی نسبتاً مناسبی برای مشارکت خودجوش و پایدار برای بهبود اقتصاد روستایی در بین عشایر وجود داشت، ولی در این میان، عوامل بازدارنده‌ای مانع از عملیاتی شدن این پتانسیل شده بود. این در حالی است که با توجه به محرومیت شدید مردم و الگوهای معیشتی ناپایداری که به تخریب مراتع و سایر منابع در سطح دهستان منجر شده بود، لزوم شناسایی و رفع چالش‌ها و موانع تحقق مشارکت مردم در طرح‌های

جمعیت فعال روستاها، معمولاً از دی ماه تا خرداد ماه را به کارهای کشاورزی پرداخته، فصل پاییز نیز به منظور کارگری و سایر کارهای خدماتی به شهرهای اطراف، از قبیل ماهشهر، اهواز، شیراز، کازرون و ... مهاجرت می‌نمودند. کوچ‌نشینی در بین عشایر با روند کندی رو به افول بود، چرا که تقریباً در روستاها ساکن شده و وابستگی آنها به زمین بیشتر گردیده بود. از سوی دیگر، کوچ‌نشینی مشکلاتی از قبیل دوری راه، کاهش شدید پوشش علوفه‌ای، ممانعت سازمان منابع طبیعی از ورود دام‌ها به مراتع و قرق آنها، ایجاد اختلاف بین کوچ‌نشینان و ساکنان بومی مراتع - که به نفع ساکنان بومی تمام می‌شد- و ... را به دنبال داشت.

۲- میزان مشارکت خودجوش و مداوم روستاییان در راستای تحقق توسعه روستایی

یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که روستاییان، فعالیت‌های گروهی و دسته‌جمعی ناپیزی را به منظور غلبه بر محرومیت شدید موجود، انجام داده بودند. تشکل‌ها و گروه‌های محلی خاصی با هدف چیره شدن بر تنگناهای توسعه و تلاش در جهت فقرزدایی تشکیل نشده بود و تله فقر، همچنان فقرا را به شدت متضرر می‌ساخت.

۳- میزان مشارکت‌پذیری عشایر

با وجود فقر شدید، مردم روستاهای مورد مطالعه به جز یک روستا، جلوه‌های خوبی در زمینه همیاری و تعاون در اجرای طرح‌ها، از خود نشان داده بودند؛ از جمله می‌توان به همیاری مردم با یکدیگر در موقع برداشت محصول و امانت دادن دام‌های خود به همدیگر، کمک مالی به فرد صاحب عزا یا صاحب جشن، کمک

نمی‌شد. این امر به دلیل عدم وجود تشکل‌ها و نهادهایی مانند مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی، تعاونی‌های تولید و غیره بود. همچنین شرکت‌های تعاونی فاقد نقش مؤثر در بازاریابی محصولات مازاد کشاورزان بودند. همچنین طبق یافته‌های تحقیق، عشایر از نحوه ارایه کالاهای اساسی مصرفی توسط شرکت‌های تعاونی عشایری ناراضی بودند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های ثانویه مرکز آمار ایران نیز مؤید یافته‌های میدانی است.

برخورداری روستاها از نهادهای محلی مؤثر، بر مبنای

داده‌های مرکز آمار ایران

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، به ترتیب، تنها ۳۹/۴۲ و ۱۷/۵۲ درصد از روستاهای بخش دیشموک دارای شورای اسلامی روستایی و شرکت تعاونی روستایی، هستند. همچنین هیچ‌گونه شرکت تعاونی تولید کشاورزی و مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی (مرکز خدمات جهاد کشاورزی)، در بخش وجود ندارد. این موضوع بیانگر کمبود شدید تشکل‌های محلی در منطقه است.

توسعه پایدار روستایی اهمیت حیاتی داشت. به طور کلی، موانع ذیل را می‌توان به عنوان مشکلات عمده در این زمینه ذکر نمود.

۴-۱- فقدان نهادها و تشکل‌های محلی توانمندساز

خلاً نهادها و ارگان‌های محلی و اجتماع محور (CBOs)^۱ در روستاهای این بخش به شدت احساس می‌شد؛ نهادهایی که اعضای آن، متخصصان چند رشته‌ای، بومی و مجربی باشند و با برقراری ارتباط تنگاتنگ با روستاییان بتوانند آنان را قدرتمند نموده، زمینه را برای جلب مشارکت، مساعدتر نمایند. جالب آنکه به جز روستای اسفندان که مرکز یکی از دهستان‌ها و پرجمعیت بود، در بقیه روستاهایی که مورد مطالعه قرار گرفتند، حتی یک مورد مراجعه کارشناسان کشاورزی به منطقه و عرصه، برای شناسایی مشکلات فنی و اجتماعی عشایر و برگزاری دوره‌های آموزشی به منظور آماده‌سازی افراد برای مشارکت پایدارتر، مشاهده نگردید. اگرچه میزان پذیرش توصیه‌های علمی در بهره‌برداران در سطح مطلوبی ارزیابی گردید. برای نمونه، وقتی فواید استفاده از کود حیوانی و نحوه جلوگیری از ایجاد علف هرز در زمین با کود حیوانی توسط پژوهشگر تشریح شد، بهره‌برداران به راحتی پذیرای آن بودند. با توجه به نتایج مشاهده‌ها و مصاحبه‌هایی که با عشایر صورت می‌گرفت، می‌توان اظهار داشت که آنان تشنه دریافت مطالب علمی و راهکارهای مناسب بودند، ولی عطش آنان هرگز ارضا

^۱ - Community based organizations

جدول شماره ۲ تعداد آبادی‌های دارای شرکت‌های تعاونی، مرکز خدمات جهاد کشاورزی و شورای اسلامی در بخش

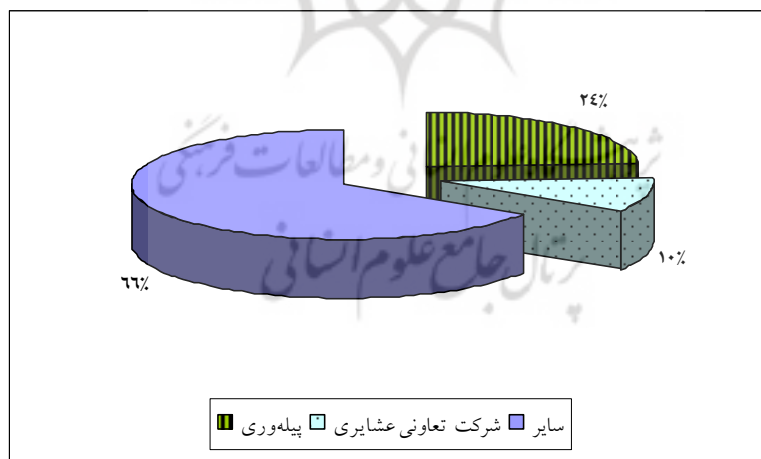
دیشموک ۱۳۸۲

تقسیمات جغرافیایی	تعداد کل آبادی	شرکت تعاونی روستایی	شرکت تعاونی تولید کشاورزی	مرکز خدمات جهاد کشاورزی	شورای اسلامی روستایی
بخش دیشموک	۱۳۷	۲۴	۰	۰	۵۴
دهستان آجم	۵۲	۶	۰	۰	۱۲
دهستان بهمنی سرحدی شرقی	۵۴	۹	۰	۰	۲۸
دهستان بهمنی سرحدی غربی	۳۱	۹	۰	۰	۱۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲

زندگی خانوارهای عشایری - آن هم به شکل ناقص - را داشته، فاقد نقش اثرگذار در زمینه بازاریابی محصولات عشایر بودند. بنابراین، پایین بودن نقش شرکت‌های تعاونی در زمینه بازاریابی، ناشی از مشارکت‌پذیری نبودن افراد نیست، بلکه ناشی از فقدان کارکرد عملیاتی آنها برای فروش محصولات است.

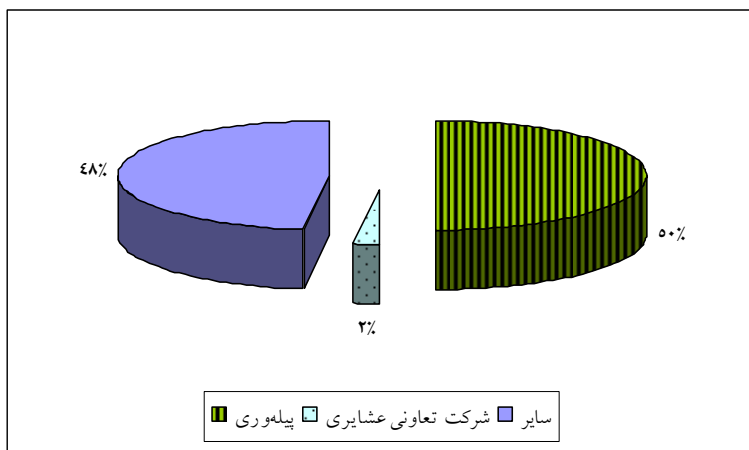
از سوی دیگر، طبق نمودارهای (۳)، (۴) و (۵)، شرکت‌های عشایری، دارای سهم ناچیزی در فروش محصولات تولیدی عشایر و نیز تأمین مایحتاج آنان بوده‌اند که این نقش در مورد بازاریابی تولیدات دامی، کمتر است. همان‌طور که گفته شد، با توجه به یافته‌های میدانی تحقیق نقش بسیار اندک شرکت‌های تعاونی در بازاریابی، ناشی از آن است که شرکت‌های تعاونی روستایی بخش دیشموک، غالباً نقش توزیع مایحتاج



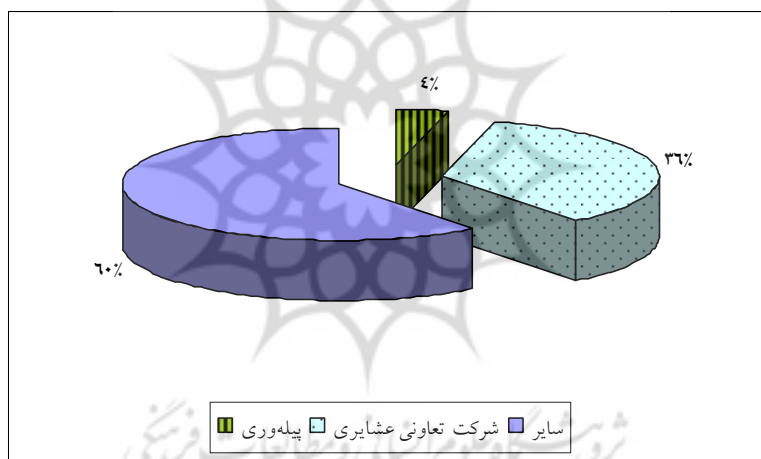
نمودار شماره ۳ توزیع فراوانی خانوارهای عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد،

بر حسب نحوه فروش فرآورده‌های دامی

مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران



نمودار شماره ۴ توزیع فراوانی خانوارهای عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد، بر حسب نحوه فروش فرآورده‌های زراعی و باغی استان
 مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران



نمودار ۵- توزیع فراوانی خانوارهای عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد، بر حسب نحوه خرید مایحتاج زندگی
 مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران

بود که سبب کاهش بهره‌وری شده بود. همچنین روستاییان تا به حال تجربه‌ای در زمینه انجام روش‌های نوین تولید نداشته‌اند. از سوی دیگر، ناآگاهی عشایر نسبت به قوانین و فرصت‌های مناسب برای بهبود وضعیت، از متغیرهای مؤثر در عدم تبلور همیاری، در قالب اجتماعات محلی به شمار می‌رفت.

۴-۳- ضعف بنیه مالی

۴-۲- پایین بودن سطح آگاهی، دانش و تجربه افراد تقریباً همه افراد، به جز کشت و کار و پرورش دام به شیوه‌های کاملاً سنتی و نیمه سنتی، مهارت انجام عملیات کشاورزی با بهره‌وری و عملکرد بیشتر را نداشته و در اشتغال غیرکشاورزی نیز به استثنای کارگری در امور خدماتی، به‌خصوص امور ساختمانی، مهارت دیگری نداشتند. از سوی دیگر، سطح تحصیلات آنان نیز اندک

توسعه مفاهیم و طبقات نظریه

در تحقیق حاضر با استفاده از روش مقایسه مداوم، هر یک از خطوط، جملات و پارگراف‌های یادداشت‌های حاصل از کار میدانی بررسی شد و رمزگذاری در دو سطح باز و محوری صورت گرفت و در نتیجه، مفاهیم، زیرطبقه‌ها و طبقه‌های گسترده‌تر نظریه ایجاد شدند (جدول ۳).

همان طور که تشریح گردید، افراد دارای سرمایه کافی برای بهره‌برداری و استفاده از ظرفیت‌های جدید به صورت کاملاً خودجوش نیستند.

۴-۴- پایین بودن قدرت اعتماد به نفس

دو مانع پیشین، در مجموع به تردید عشایر نسبت به قدرت و توانشان در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای منجر شده است.

جدول شماره ۳ طبقات گسترده و زیرطبقات حاصل از تحلیل مفاهیم، رمزگذاری باز و محوری

طبقه گسترده	زیرطبقه	مفهوم	
فقدان سرمایه انسانی، فعال در روستا و محیط توانمندساز	پایین بودن سطح مهارت و دانش	سطح تحصیلات رسمی پایین	
		عدم آرایه آموزش‌های حرفه‌ای و شغلی	
	فقدان تشکل‌های محلی دولتی و غیر دولتی مؤثر	آشنا نبودن روستاییان با اصول علمی و مزایای فعالیت گروهی	
		آشنا نبودن روستاییان با قوانین فعالیت گروهی	
مهاجرت به شهر	پایین بودن میزان مشارکت خودجوش و مداوم روستاییان به منظور فقرزدایی	جستجوی درآمد در شهر	
		جمعیت اندک روستاها	
		نگرش مثبت نسبت به شهر	
		برخوردار نبودن از منابع آبی مطمئن	
منابع درآمدی مطمئن	فقدان زیرساخت‌های کشاورزی	اراضی کشاورزی ناهموار و کوهستانی	
		عدم امکان استفاده مؤثر از ماشین‌آلات کشاورزی	
	نبود فرصت‌های شغلی غیر کشاورزی مطمئن	فرا تر رفتن تعداد دام از ظرفیت مراتع	
		وابستگی فراوان روستاییان به کشاورزی	
فقدان تأمین نیازهای اساسی	برخوردار نبودن از مسکن و سایر خدمات مناسب	اشتغال موقت در بخش غیر رسمی اقتصاد شهری	
		تأمین نیازهای سوختی از طریق قطع درختان	
		عدم نقش آفرینی تعاونی‌ها در رفع نیازهای روستاییان	
	تأمین نبودن نیازهای تغذیه‌ای ضروری	آسیب‌پذیری بافت مسکن روستایی	
		نبود امکاناتی از قبیل حمام مجزا	
		مشترک بودن ورودی و خروجی دام‌ها در برخی از موارد	
	برخوردار نبودن از خدمات زیرساختی	برخوردار نبودن از خدمات زیرساختی	نقش کم‌رنگ گوشت در سبد غذایی
			نقش کم‌رنگ میوه‌جات در سبد غذایی
			دسترسی ناکافی به آب آشامیدنی سالم
			عدم پوشش کافی برق
همیاری اجتماعی	همیاری اجتماعی	دسترسی نداشتن مداوم به جاده‌های ارتباطی	
		پوشش ضعیف شبکه‌های تلویزیونی	
		کمک مالی به افراد بی‌سریست	
		مشارکت در مراسم جشن و عزاداری	
		همیاری مردم با یکدیگر در انجام عملیات کشاورزی	
		مشارکت مالی در احداث جاده	
مشارکت در فعالیتهای توسعه‌ای	مشارکت در فعالیتهای توسعه‌ای	همکاری با کارفرمایان طرح‌های اجرایی	
		مشارکت مالی در احداث جاده	
		مشارکت در مدرسه‌سازی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تغییر، سبب انتخاب الگوهای مدیریتی مخرب و نامناسب توسط روستاییان محروم گردیده است.

همچنین یافته‌های تحقیق بر خلاف نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز است. وی یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی را پایین بودن انگیزه پیشرفت دهقانان فقیر دانسته است. این در حالی است که عشایر مورد مطالعه با وجود اینکه از توان مالی بسیار پایینی برخوردار بودند، تمایل و انگیزه فراوانی برای مشارکت و فعالیت در راستای فقرزدایی و بهبود زندگی خود داشتند که نمودهای عملی آن در بخش نتایج به‌خوبی مورد اشاره قرار گرفت. انگیزه برای یادگیری روش‌های نوین مدیریت تولید، خود حاکی از علاقه آنان نسبت به خروج از وضعیت بغرنج فعلی بود. البته، راجرز در ادامه نظریه خود تأکید نموده است که «مهاجرت روستاییان به شهر در راستای دستیابی به اهداف مترقی خود» از نمادهای برخورداری از انگیزه پیشرفت بالا است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۲۵). چنانچه تنها این شاخص، ملاک قضاوت در مورد انگیزه پیشرفت روستاییان فقیر دیشموک قرار گیرد، نظریه راجرز نقض خواهد شد، زیرا همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، روستاییان مذکور به منظور بهبود وضعیت معیشتی خود و خروج از فقر، زحمات طاقت‌فرسای مهاجرت به شهرهای دور و نزدیک را بر خود تحمیل می‌نمودند.

مقایسه یافته‌های پژوهش با نظریه‌های موجود و تدوین نظریه جدید

چمبرز (۱۹۹۳: ۳۵-۳۴) معتقد است که روستاییان فقیر آگاه و دانش بومی آنان، در رابطه با تنوع و پیچیدگی محلی بسیار مستدل است. وی همچنین تأکید می‌نماید که روستاییان دارای پتانسیل سازماندهی خود-متکی^۱ هستند. یافته‌های تحقیق حاضر در رابطه با نمودهای عملی مشارکت مردم، به‌خصوص نمونه «لایروبی خود-سازماندهی شده کانال انتقال آب» به‌خوبی تأیید کننده این نظریه است. از سوی دیگر، بانک جهانی (۲۰۰۳: ۲۲۰) نیز بر توانمندی روستاییان فقیر تصریح نموده است. از نظر بانک جهانی، اگرچه این گروه دچار محرومیت می‌باشند ولی صاحب ترکیب متعادلی از دارایی‌ها برای رهایی از دام فقر می‌باشند (بدون توجه به محدودیت‌های آن)، سرمایه اجتماعی سنتی، سرمایه انسانی، آگاهی درون‌زا، مهارت و کاردانی. با این وجود، نهادهای ملی و محلی، هنوز بهره‌وری بالقوه این توانمندی‌ها را به‌طور کامل توسعه نداده‌اند. تصور تصمیم‌گیران مبنی بر اینکه این گروه از جمعیت، در آینده از نواحی مذکور خارج خواهند شد، سبب بی‌توجهی آنان نسبت به وضعیت افراد در مناطق مذکور گردیده است. در این مناطق، فرصت‌های آموزشی و دسترسی افراد به اطلاعات اندک و ناچیز است. فشار جمعیت، کمبود دانش و آگاهی و وا همه از

¹ - Self-reliant organization

به این ترتیب، در سطح نهایی رمزگذاری (رمزگذاری انتخابی)، نتایج تحقیق با نظریه‌های مشابه مقایسه گردید و سپس با استفاده از چارچوب نظری به دست آمده، طبقات گسترده با یکدیگر تلفیق شدند و نظریه نهایی، به شرح ذیل ارائه شد.

نتیجه نهایی روش نظریه بنیانی در تحقیق حاضر آن است که روستائیان مورد مطالعه بر خلاف تصور حرفه‌ای‌های متعارف، انگیزه و تمایل فراوانی برای پیشرفت داشته و در عمل نیز این موضوع را اثبات نموده‌اند. ولی اینکه چرا این افراد با وجود تمایل درونی و رغبت بالا نسبت به مشارکت، در محرومیت شدیدی به سر می‌برند، به فراهم نبودن بسترها و زمینه‌های لازم برمی‌گردد. چنانچه نهادهای دولتی مستقر در منطقه، محیط توانمندسازی^۱ را برای شکوفایی این پتانسیل‌های بالقوه ایجاد نمایند، توسعه روستایی به معنای واقعی کلمه تحقق خواهد یافت و لازمه این امر معکوس‌سازی دیدگاه‌های برنامه‌ریزان و ارج نهادن به توانایی روستائیان فقیر است. در نهایت، بر مبنای نتایج تحقیق پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه شد:

پیشنهادها

۱. تقویت و تشکیل نهادها و تشکلهای محلی

ایجاد و تقویت نهادهایی مانند مرکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی، تعاونی بازاریابی و تولید از طریق همیاری مردم، نقش مؤثری در توانمندسازی عشایر می‌تواند ایفا کند. البته، مرکز ترویج که باید کارکرد و ماهیت آموزشی - ترویجی داشته باشد - امروزه بنا به دلایل مختلف از انجام رسالت واقعی خویش بازمانده است. بنابراین، ایجاد چنین مراکزی، سود چندانی برای مردم منطقه نمی‌تواند داشته باشد، مگر اینکه، این مراکز با توجه به آیین‌نامه ساماندهی مراکز ترویج، هویت ترویجی خود را بازیابی نمایند.

۲. گسترش آموزش و ترویج

با توجه به زمینه مساعد در مردم برای پذیرش توصیه‌های فنی و اقدام گروهی در راستای افزایش بهره‌وری خود در زمینه کشاورزی، توصیه می‌شود با ایجاد نهادها و تشکلهای کارآمد و مجرب، قدرت تفکر، خلاقیت و اعتماد به نفس روستائیان را بهبود بخشیده، آگاهی آنان را نسبت به حقوق و قوانین موجود افزایش داد و در نهایت، ایشان را در زمینه متشکل شدن در راستای دستیابی پایدار به منافع خویشتن یاری نمود.

۳. ایفای نقش مؤثر توسط دولت

به دلیل فقری که بر منطقه حاکم است و نیز به علت پایین بودن سطح تجربه و دانش افراد، انتظار حرکت‌های کاملاً خودجوش و خودگردان از مردم منطقه، غیرمنطقی و غیرعملی خواهد بود. از سوی دیگر، خصوصی‌سازی

^۱ - Enabling environment

۲- بانک جهانی، (۲۰۰۳)، توسعه پایدار در جهان در حال تحول؛ نهادهای انتقالی، رشد و کیفیت زندگی. ترجمه علی حبیبی، گرای نژاد و قبادی، (۱۳۸۳)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. ۵۵۹ صفحه.

۳- تودارو، مایکل، (۱۹۹۴)، توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. (۱۳۷۸). انتشارات بازتاب. تهران. ۵۵۸ صفحه.

۴- جمعه‌پور، محمود، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران، انتشارات سمت، ۲۶۴ صفحه.

۵- چمبرز، رابرت، (۱۹۹۳)، چالش با حرفه‌ها، ترجمه علیرضا خرمایی، (۱۳۸۱)، سلسله انتشارات روستا و توسعه، تهران، نشر ارغنون، ۲۶۵ صفحه.

۶- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس، ۲۹۰ صفحه.

۷- شعبانعلی فمی، حسین، امیرحسین علی بیگی و ابوالقاسم شریف‌زاده، (۱۳۸۳)، رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۴۵۸ صفحه.

ترویج و آموزش به صورتی که هزینه از کشاورزان اخذ گردد، هرگز راهکار موفقی نخواهد بود، چرا که سطح عملکرد کشاورزان به حدی پایین است که بعضاً کفاف معیشت خودشان را نیز نمی‌کند. بنابراین، دولت در این زمینه، تا زمانی که افراد توانمند و خوداتکا شوند، باید نقش فعالی را به‌خصوص در راستای سرمایه‌گذاری مالی ایفا نماید.

سپاس‌گزاری

در نهایت، از کلیه اساتید و عزیزانی که در اجرای این پژوهش همکاری نمودند، آقای دکتر محمدرضا جهانسوز (معاونت محترم امور تولیدات گیاهی وزارت جهاد کشاورزی)، آقای دکتر خلیل کلانتری و به‌خصوص متولیان خستگی‌ناپذیر کانون طرح جهادی بازدید از مناطق محروم بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، که زمینه اجرای تحقیق را ایجاد کردند و نیز جناب آقایان علیرضا معادی، امیرحسین اکرمی، احمد بایرامی، مختاری، امیر امیری‌فر، عبدالمطلب رضایی و امیر علم‌بیگی قدردانی می‌شود.

منابع

۱- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. انتشارات اطلاعات. تهران. ۳۴۳ صفحه.

- 15- Blench, Roger. (2001). Pastoralism in the new millennium. Rome: Food and Agricultural Organization.
- 16- Bo Hansen, Rasmus. 2006. Study on the perception of Voluntary Counseling and Testing among people living in Tumu Sub-district (Sissala East District, Upper West Region, Ghana). Basic Studies of Social Science, ROSKILDE University. Gruppe 32, hus 20.2.
- 17- Department of Economic and Social Affairs. 2004. Population Division WORLD URBANIZATION PROSPECTS: THE 2003 REVISION. New York: United Nations.
- 18- Johnson, R Burke. 1997. Examining the validity structure of qualitative research. Education; Vol. 118, no. 2; Research Library. 282- 292pp.
- 19- Golafshani, Nahid. 2003. Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research. The Qualitative Report, 8(4), 597-607pp.
- ۸- صدیق، جهان‌شاه، (۱۳۸۷)، عشایر سالانه ۱۸۰ هزار تن گوشت قرمز تولید می‌کنند. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، قابل دسترس در: [a. http://www2.irna.ir/fa/news/view/line-14/8703281843155122.htm](http://www2.irna.ir/fa/news/view/line-14/8703281843155122.htm)
- ۹- قرخلو، مهدی، (۱۳۸۲)، مهاجرت و اسکان عشایر، تحلیلی از مهاجرت قشقای‌های ایران به شهرها، نقش بیان با همکاری سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۷ صفحه.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور (۱۳۸۵)، تهران.
- ۱۱- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۲)، شناسنامه دهستانی سرشماری عمومی کشاورزی-۱۳۸۲، تهران.
- ۱۲- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۷)، نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۷۷)، تهران.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۷)، نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده کشور (۱۳۷۷). تهران.
- ۱۴- یونسکو، (۱۹۹۴)، فرهنگ و توسعه (رهیافت مردم شناختی توسعه)، ترجمه نعمت‌ا... فاضلی و محمد فاضلی (۱۳۷۶)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۳۲۴ صفحه.

- 20- Gonzalez, Barbara L. 2001. SCED
552 Reviews of Research in Science
Education, Selection of a Sample.
California State University Fullerton.
- 21- Thomson, S. Bruce. 2004. Qualitative
Research: Grounded Theory - Sample
Size and Validity. Dept. of
Management. Monash University.
- 22- World Bank. (1996). "The World Bank
Participation Sourcebook".
Washington, D.C.

